



زهرانظام‌الدینی

۸ اسفند؛ شهادت امام موسی کاظم (ع)

روز گار، هزار و چهارصد سال پیش در روز بیست و پنجم رجب، یکی از سیاه‌ترین برگ‌های خود را ورق زد و داغ شهادت امام هفتم شیعیان را تا ابد بر سینه‌ی رادمردان جهان نهاد.

۱۰ اسفند؛ بعثت پیامبر (ص)

چهل شب و چهل روز، محمد هر آنچه را پیش رو داشته، پشت سر نهاده و سجدای عزلت خویش را در گوشه‌ی شکاف کوچکی از کوه گسترده است. شب‌های همه عبادت است و روزهای سکوت و تفکر. دیگر تمام محمد به روشنایی و وسعت آسمان شده است؛ درونش زلالی آب، لطافت گل، درخشندگی ماه، استواری کوه و حرارت خورشید را به نمایش می‌گذارد. او در این چهل روز یک‌تنه جهانی شده است که عالمی را در خود می‌گنجاند. قلبش اما حکایت دیگری دارد. گویی منتظر اتفاقی است؛ اتفاقی بزرگ که هراسانش می‌کند. گاه چشم به آسمان می‌دوزد و گاه به پایین کوه می‌نگرد؛ راه رفته را بر گردد یا منتظر راه نرفته بماند!

در این آمدوشد بودن یا نبودن، سرنوشت صفحه‌ی جدیدی را بر دنیا می‌گشاید. صدای فرشته‌ی وحی میان آسمان و زمین به گوش پیامبر می‌رسد: «ای محمد، تو رسول خدایی و من جبرائلم.» حیرت تمام پیامبر را فرا می‌گیرد. نه پیش می‌رود و نه پس. جبرائیل همه‌ی صفحه‌ی آسمان را پوشانده است. به مشرق و مغرب که می‌نگرد، او را می‌بیند. نخستین پیام از آسمان می‌رسد: «بخوان» (علق/۱).

محمد اما آتی است و درس ناخوانده. خواندن نمی‌داند. جبرائیل در او می‌نگرد و ناگاه به اذن خدا همه‌ی وجود رسولش دگرگون می‌شود و می‌خواند به نام پروردگاری که او را آفریده است.

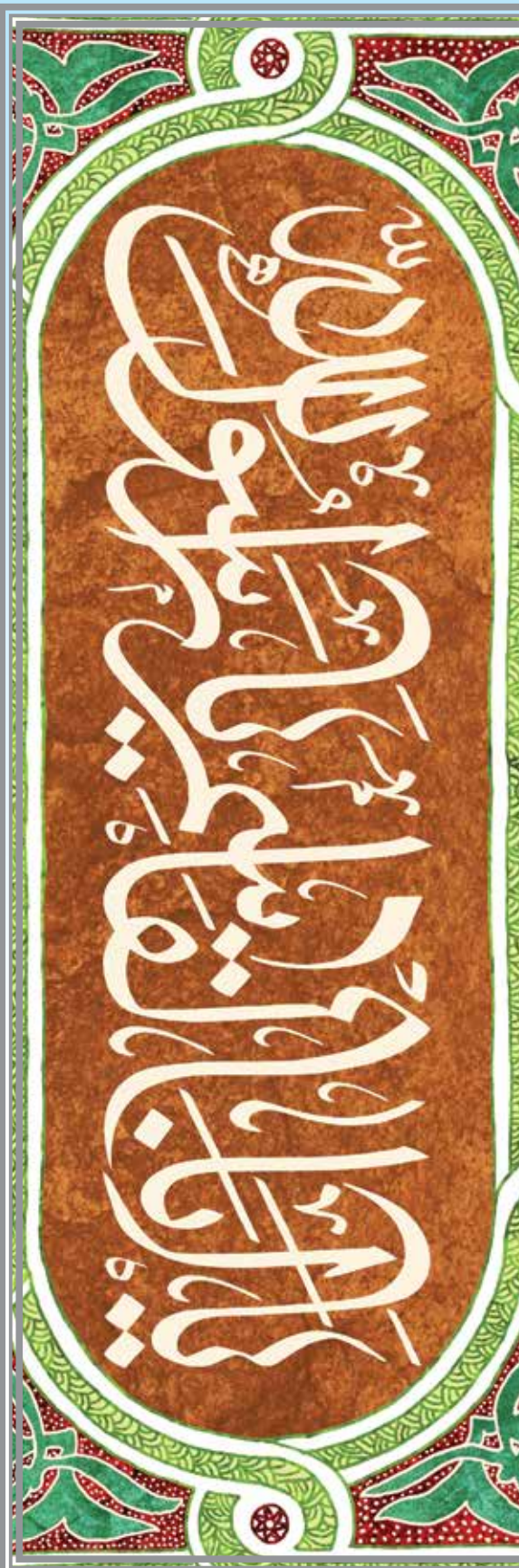
محمدی که چهل روز پیش در کسوت چوپانی از کوه بالا آمده بود، اکنون با ردای رسالت به پایین کوه باز می‌گردد؛ که نخستین گام پیامبری بازگشت به خلق است. بار سنگین این اتفاق بر دوش‌هایش نشسته، بی‌تاب و مضطرب کرده است. پناهی امن‌تر از خدیجه نمی‌بیند: «یا خدیجه، دثرینی، دثرینی» (سبحانی، ص ۹۵).

خدیجه وی را به جامه‌ای می‌پوشاند. جبرائیل باز می‌آید (فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام (ص)، جعفر سبحانی).

ای جامه بر سر کشیده، برخیز و بزرگی پروردگارت را فریاد کن (مدثر/۱-۳). و بخوان به نام پروردگاری که تو را از لخته‌ی خون آفرید (علق/۱-۲). و به چنان عظمتی رساند که مسجود ملائکه گردی (بقره/۳۰).

۱۵ اسفند؛ روز درختکاری

برای دانش‌تن ایرانی آباد، این روز را بهانه کنیم و همراه با دانش‌آموزان کلاس‌مان نهال بکاریم.





طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
 دوباره پلک دلم می‌پرد نشانه‌ی چيست
 ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
 شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
 قیصر امین‌پور

شعبان؛ ماه شادی و امید

هلال ماه شعبان که در آسمان ظاهر می‌شود، گویی فرشتگان کل می‌کشند و شادی‌شان را بر سر عالم می‌پاشند! شورش و شغف در آسمان‌ها موج می‌زند و رحمت و برکت است که بر زمین می‌بارد. رقص و پایکوبی در میان همه‌ی ذرات عالم شروع می‌شود و زمین بر آسمانش فخر می‌فروشد. لبخند زیبای خدا را می‌بینی که بر خویش آفرین می‌فرستد و خلقتش را می‌ستاید. آخر، کم ماهی نیست، ماهی که **حسین (ع)** در آن متولد می‌شود. خوب که نگاه می‌کنی، ولوله‌ی فرشتگان را در عرش می‌بینی. دسته‌دسته به مبارکباد پیامبر می‌آیند. جبرائیل گهواره‌ی حسین (ع) را تاب می‌دهد و فطرس بال سوخته‌اش را بر قنداقه‌ی طفل می‌نهد تا حسین سراپا رحمت، مرهم وجودش شود.

شجاعت و رشادت‌های امام حسین (ع) افتخاری است برای تمام پاسدارانی که جانشان را در این راه بر طبق اخلاص می‌نهند و از مرزوبوم و هویتشان پاسداری می‌کنند.

روز چهارم ماه، شادی‌مان را با بزرگداشت وفاداری و شیدایی و با تولد **حضرت عباس (ع)**، نام بی‌بدیلی که همیشه همراه حسین (ع) است، ادامه می‌دهیم. جان‌فشانی این حضرت بهانه‌ای است تا در این روز که روز «جانباز» نام گرفته است، قدردان وجود عزیزانی باشیم که از خویش گذشتند و به جرگه‌ی عشاق پیوستند.

با درخشش ستاره‌ی وجود **امام سجاد (ع)**، در پنجمین روز شعبان، دریچه‌های قلبمان را بر معارف ناب آن حضرت می‌گشاییم و عطش وجودمان را با چشمه‌ی جوشان صحیفه‌اش سیراب می‌کنیم که دست دعا و چشم امید را در وجودمان زنده نگه می‌دارد. یازدهم ماه میزبان **علی اکبر** است. روز تولدش را «روز جوان» نام نهاده‌اند تا تلنگری باشد بر جوانانمان که چگونه زیستن را بیاموزند.

نیمه‌ی این ماه در ۲۷ اسفند رنگ‌وبوی دیگری دارد. تولد **حضرت مهدی (عج)** است؛ مردی که عالمی او را به‌عنوان ناجی و پناه ستمدیدگان می‌شناسند. گاهی از شادی کنج دلمان غنچ می‌زند که در دنیایی نفس می‌کشیم که او نفس می‌کشد و گاه تمام وجودمان را غم غربت و نبودش فرا می‌گیرد. **اللهم عجل لولیک الفرج.**

۲۹ اسفند؛ روز جهانی شادی

چند سالی می‌شود که «روز شادی» به تقویم جهان افزوده شده است. اوضاع کنونی جهان، بیماری، همه‌گیری کرونا، فقر، جنگ و تلخی‌های پی‌درپی، زندگی مردم دنیا را به‌گونه‌ای رقم زده است که روزبه‌روز فاصله‌شان از شادی دورتر می‌شود. به این بهانه، در آخرین روز سال، دلی را شاد کنید تا دومی‌نوی شادی به‌سوی خودتان بازگردد و سراسر دنیا پر شود از لبخندهای زیبا و شادی‌های بی‌امان.

حضرت علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی، لطفی برای او قرار می‌دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریسدن گیرد و تلخی مصیبت را بزاید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۷).

۲۹ اسفند؛ روز ملی‌شدن صنعت نفت ایران

نهضت ملی‌شدن نفت نامی است که بر دوره‌ی اوج‌گیری مبارزات مردم ایران برای ملی‌کردن صنعت نفت ایران گذارده شده‌است. روز ۲۹ اسفند را به‌عنوان یکی از روزهای ملی و هویت‌ساز ایران اسلامی گرامی می‌داریم و شادی آن را گره می‌زنیم به شادمانی جشن آغاز سال نو. به استقبال بهار می‌رویم. بهار تان خوش!